«دست فرمون» به ایستگاه پایانی رسید

مسابقه بزرگ «دست فرمون» با اجرای کامران تفتی پس از ۵۱ قسمت از یکشنبه دهم بهمن، فینال این دوره از مسابقات را برگزار می‌کند.

به گزارش جام جم، مسابقه بزرگ «دست فرمون» به تهیه‌کنندگی محمود محمودی با اجرای کامران تفتی با برگزاری آخرین مرحله نیمه‌نهایی به یک‌قدمی فینال رسید. یکشنبه دهم بهمن فینال «باشگاه اتومبیلرانی» و دوشنبه یازدهم بهمن ۱۴۰۰ فینال گروه‌های امدادی به سومین فصل «دست فرمون» خاتمه می‌دهد. فصل سوم این مسابقه اتومبیلرانی که با شکل متفاوتی نسبت به ۲ فصل پیشین کار خود را با ۳۰ گروه امدادی و ۶۰ راننده در «باشگاه اتومبیلرانی» آغاز کرد، حال به ایستگاه پایانی رسیده است و در کنار تشکیل باشگاهی برای رانندگان علاقه‌مند به رشته اسلالوم و ورود مسابقات گروهی به پیست برای اولین‌بار، تغییرات بسیاری در طراحی مراحل خود به وجود آورد تا بتواند مسابقات را در بالاترین سطح برگزار کند.

عکس: سحر محراب

هستم. دلم نمی‌خواهد پشت یک صورت دیگر قایم شود. وقتی می‌خواهم یک بار تلویزیون باشم، پس می‌خواهم مردم هم همان‌طور که مرا در خیابان می‌بینند، چهره‌ام را در کار ببینند.

با این صحبت، دیگر قصد ندارید در تلویزیون بازی داشته‌باشید؟

نمی‌توانم این حرف را به‌طور قطع بگویم. در مجموع تصمیم این بود که در تلویزیون کار نکنم، مگر آن‌که نقشی را انتخاب کنم که به لحاظ اجرا به من حس خوب بدهد و جالب‌ترین کارم باشد. البته این موضوع را کامل نمی‌پسندم، شاید یک دفعه نقشی یا فیلمنامه‌ای وسوسه انگیز به پستم بخورد.

البته نوشدارو و پازل هم قبلا در تلویزیون داشتید؟

آنها به حدی کوتاه بود که به حساب نمی‌آید.

شما در فیلم‌های شبی که ماه کامل شد و لس‌آنجلس تهران هم نقش پلیس را بازی کرده‌بودید.

نقش‌های پلیس در فیلم‌های لس‌آنجلس تهران و پیلوت خیلی کوتاه بود و به حساب نمی‌آید ولی نقشم در فیلم شبی که ماه کامل شد، کوتاه اما ویژه بود. البته در همین اندازه هم خانم آبیار در قصه می‌خواست، ولی نقشی بود که پتانسیل بیشتر شدن را داشت. به هر حال وارد این قضیه نمی‌شوم. در مجموع تا قبل از سریال نوار زرد نمی‌خواستم دیگر نقش پلیس بازی کنم، مگر این‌که نقش ویژه‌ای باشد. وقتی با نقش سرگرد کاوه کیهان روبه‌رو شدم، احساس کردم این نقش همانی است که اگر یک بار بخواهم پرونده نقش‌های پلیسی‌ام را ببندم با این کار است.

با توجه به این‌که سریال‌های پلیسی پرمخاطب هستند از سریال‌های قدیمی پلیسی در تلویزیون همچون کارآگاه علوی گرفته تا شخصیت اوصیا در سریال سرنخ و... شما علاقه‌مند بودید چه تصویری از پلیس را در ذهن مردم ماندگار کنید؟

واقعیت این است نمی‌خواستم صرفا یک کار نمایشی انجام بدهم. می‌خواستم شخصیت پلیس قصه، کاوه کیهانی را برای مردم باورپذیر، قابل لمس، مقتدر، باهوش، احساساتی، خوش لباس، ورزشکار و... به تصویر بکشم که در عین جدی بودنش با دستیارش هم گاهی شوخی می‌کند یا این‌که رابطه‌اش با متهم، دستیارش و... درست در بیاید. نمی‌خواستم ادا باشد بلکه یک باورپذیر و مردمی برای مخاطبان باشد.

در برخی صحنه‌ها شاهد شوخی‌هایی میان دستیار (حسام محمودی) با سرگرد هستیم و ترکیب بانمکی شده‌است. در این صحنه‌ها بداهه هم داشتید یا صرفا متکی به متن بودید؟

اتفاقا بداهه زیاد داشتیم و در برخی صحنه‌ها می‌بینید سرگرد کیهانی هم با دستیارش شوخی می‌کند یا گاهی به قول معروف تو پرش می‌زند یا سرکارش می‌گذارد. همه جور رفتاری با او می‌کند. در مجموع موقعیت طنز زمانی شکل می‌گیرد که یکی جدی باشد و یکی دیگر برخلاف او عمل کند. البته سرگرد کیهانی موقعیت طنز را درک می‌کند و همراه با اتفاقات است.

صحنه‌ای در سریال نوار زرد بود که شما را به لحاظ حسی درگیر چالش کرده‌باشد؟

(می‌خندد) می‌توانم بگویم همه صحنه‌های این سریال درگیر بودم. از هیچ صحنه‌ای راحت نگذشتم و برایم عادی و ساده نبود. همه صحنه‌ها را تلاش کردم با تمرکز، وسواس، فکر و اندیشه کار کنم.

حالا که بازخوردهای مردم را می‌بینید، به نظرتان چرا مخاطبان سریال‌های پلیسی را دوست دارند و علاقه‌مند به پیگیری هستند؟

به نظرم مردم ما، شما و آنها ندارد. تمام دنیا سریال‌های پلیسی، کارآگاهی و جنایی را دوست دارند و گونه مورد علاقه‌شان است. همیشه این نوع آثار از زمان کودکی‌مان تا الان برایمان جذابیت داشته و دارد. حتی در گذشته، بخش حوادث روزنامه‌ها هم جلب توجه بیشتری می‌کرد و مردم کنجکاوتر بودند. حالا به‌خاطر شرایط اجتماع، زندگی، تلخی‌ها و فشارهایی که است، شاید کنجکاوی‌ها کمتر شده باشد اما همچنان مردم علاقه‌مند به چنین داستان‌هایی هستند.

سریال نوار زرد وارد مسائل امنیتی نمی‌شود و قصه‌هایی را به تصویر می‌کشد که هر روز میان اطرافیان شاهد هستیم یا داستان‌هایی است که در صفحه حوادث با آنها برخورد داریم. نظر شما به عنوان شخصیت محوری قصه نسبت به این موضوع چیست؟

یکی از امتیازات سریال همین ماجراست که کار نه جهت‌دار، نه سیاسی و نه... قصه خیلی واقعی است. کریم لک‌زاده، نویسنده سریال کل اتفاقات قصه را بعد از تحقیقات گسترده در دادگاه‌ها و دادگستری‌ها نوشته‌است. قصه‌های نوار زرد برای مردم باورپذیر است و به هیچ‌وجه اگزجره نشده‌است.

چرا صحنه‌های درگیری، ناقص به تصویر کشیده شده‌است؟ برایتان مثالی می‌زنم. سکانسی که سرگرد کاوه به دنبال کلاهبردار کارت‌های بانکی است، می‌بینیم بعد از دنبال کردن متهم وقتی به هم می‌رسند، صحنه کات می‌خورد و بعد نشان داده می‌شود دستگیر شده‌است. در حالی که در این صحنه‌ها مخاطب توقع دارد صحنه درگیری را ببیند. نظر شما برای این صحنه‌ها چیست؟

اتفاقا در فیلمنامه برای این صحنه سرگرد و متهم درگیر می‌شدند. لازم است این نکته را بگویم و این‌که من سر این سریال به دلیل این‌که همه صحنه‌ها را خودم بازی می‌کردم، آسیب‌های جدی دیدم. یک بار کشاله رانم پاره شد و همین‌طور به مهره‌های گردنم آسیب وارد شد. نقدی که من دارم به تدوین کار است. نباید در صحنه‌های اکشن کات می‌خورد. من سر صحنه از در خیلی بزرگ می‌پریدم و وارد اصطبل می‌شدم، بدون این‌که کسی به من کمک کند یا از نردبان استفاده کنم یا میز و صندلی زیر پایم باشد؛ ولی تدوین به گونه‌ای انجام شده که هشت تا کات در چنین صحنه‌ای خورده و مخاطب با دیدن صحنه فکر می‌کند هرلحظه از این صحنه را جدا گرفتیم. در حالی که من خیلی وسواس داشتم تا این صحنه‌ها به لحاظ اجرا درست در بیاید و نشان بدهم سرگرد کاوه آمادگی جسمانی خوبی دارد.

حتی این اتفاق باعث شده مخاطب گل ماجرا را از دست بدهد.

من هم با شما موافق هستم. من همه صحنه‌ها را بدون بدلکار ضبط کردم و از زمانی که بازی‌ام در این سریال شروع شده یک پایم در فیزیوتراپی است و یک پایم سر ضبط.

این تصور را داشتید سر سریال نوار زرد تا این میزان آسیب می‌بینید؟

(می‌خندد) در همه کارهایم معمولا چنین اتفاقاتی می‌افتد. چون تنها کسی هستم در کارهایم بدلکار ندارم و خودم همه صحنه را اجرا می‌کنم. از سوی دیگر دلم می‌خواست در این سریال پلیس را واقعی‌تر نشان بدهیم. زیرا پلیس در دنیای واقعی هم وقتی متهم را دستگیر می‌کند او را نوازش نمی‌کند تا اعتراف کند، بلکه روش خودش را دارد.

در مجموع فرصت می‌کنید با توجه به همزمانی تولید، پخش سریال را هم ببینید؟

تقریبا شب‌هایی که خانه باشم، می‌بینم.

اگر بخواهید از دیدگاه یک مخاطب ببینید چه نظری دارید؟

هر از گاهی سریال‌های تلویزیون را رصد می‌کنم. به نظرم سریال نوار زرد جالب و سرگرم‌کننده است و مخاطب آن را دنبال می‌کند. البته من کارهایم را به زور تماشا می‌کنم. خیلی از خودم خوشم نمی‌آید. ولی انصافا نوار زرد آنی دارد که مردم را کمتر خسته می‌کند. در مجموع سریال قابل قبولی است.

> تنها کسی هستم که در کارهایم بدلکار ندارم و خودم همه صحنه را اجرا می‌کنم. از سوی دیگر دلم می‌خواست در این سریال پلیس را واقعی‌تر نشان بدهیم

چه خبر؟

خوشنام‌ها به فینال نزدیک می‌شوند

سریال «خوشنام» که توسط محسن کیایی طرح و فیلمنامه ابتدایی‌اش نوشته شده بود و فهیمه سلیمانی بازنویسی و قصه‌های جدیدی به آن اضافه کرد، این روزها تصویربرداری‌اش در شهرک چشمه ادامه دارد.

به گزارش برنا، سریال «خوشنام» به کارگردانی علیرضا نجف‌زاده و تهیه‌کنندگی احمد زالی که یکی از نامزدهای پخش در ماه مبارک رمضان شبکه یک سیماست، این روزها در مناطق پررفت‌آمد شهر تصویربرداری می‌شود.

احمد زالی، تهیه‌کننده این سریال تلویزیونی درخصوص تصویربرداری سریال خوشنام و زمان پخش این مجموعه تلویزیونی گفت: درخصوص زمان پخش که قاعدتا مدیران سیما تصمیم گیرنده هستند و درخصوص تولید این سریال تلویزیونی باید بگویم به رغم تغییر فصل و برودت هوا و باتوجه به این‌که ما مجبور به حفظ راکورد هستیم گروه با لباس‌های گرم و زمستانی کار می‌کنند و این مساله کار ما را به مراتب سخت‌تر کرده است. پروژه شرایط اقتصادی مطلوبی ندارد و هزینه‌های تولید بیش از همیشه ذهن ما را درگیر کرده است که این مساله طبیعتا روی کیفیت کار می‌تواند موثر باشد. گرچه تمام تلاشمان این است که به لحاظ کیفی کار دچار صدمه و لطمه نشود و تمام اعضای گروه با قدرت و توان کار می‌کنند تا در بهترین شرایط، سریال روی آنتن برود.

علیرضا نجف‌زاده کارگردان این سریال تلویزیونی که مشغول ضبط سکانس‌های خارجی این سریال در شهرک چشمه تهران است، گفت: کار در فصل زمستان به خصوص در این روزهای سرد، بسیار آزاردهنده است و از آن جایی که ما مجبور هستیم سکانس‌های فصل گرم را تصویربرداری کنیم نیاز به تمهیداتی است که در تولید کار را به مراتب سخت‌تر می‌کند.

درخشش مرکز صبا در هجدهمین اجلاس فناوری رسانه

مرکز پویانمایی صبا در هجدهمین اجلاس، فناوری رسانه خوش درخشید.

به گزارش روابط عمومی رسانه ملی، در اختتامیه این اجلاس که با حضور ریاست سازمان صدا و سیما، دکتر جبلی برگزار شد در بخش تولیدات فناورانه، انیمیشن «چیا» از تولیدات تلویزیونی مرکز پویانمایی صبا به تهیه‌کنندگی و کارگردانی امیر سحرخیز که با بالاترین کیفیت فنی تولید شده بود، قدردانی شد.

هجدهمین اجلاس فناوری رسانه، ۵ و ۶ بهمن ۱۴۰۰ در تهران برگزار شد.

«سینما ملت» تازه‌ترین برنامه سینمایی سیما

«سینما ملت» ویژه برنامه تلویزیونی در ایام جشنواره فیلم فجر است که با اجرای وحید رونقی از شبکه چهار سیما پخش می‌شود.

به گزارش مهر، چهلمین جشنواره فیلم فجر از ۱۱ بهمن ماه در برج میلاد به عنوان خانه جشنواره شروع می‌شود و قرار است «سینما ملت» هم برنامه جدید سینمایی تلویزیون در این بازه زمانی باشد.

«سینما ملت» را وحید رونقی اجرا می‌کند که پیش از این اجرای برخی برنامه‌های تخصصی سینمایی و همچنین برنامه‌های مختلف را برعهده داشته است.

همچنین احسان حسینی، تهیه‌کننده و سجاد مهرگان، سردبیری این برنامه را بر عهده دارد و قرار است از شبکه چهار سیما روی آنتن برود.

این برنامه ویژه جشنواره فیلم فجر خواهد بود و با آیتم‌های مختلفی از منتقدان و عوامل فیلم‌ها دعوت خواهد کرد که از ابتدا تا انتهای جشنواره روی آنتن می‌رود.

روایت‌های یک خبرنگار

لوکیشن قبرستان اتومبیل‌ها

زینب علیپور طهرانی
رسانه

ما همیشه دنبال سوژه بودیم. اما در این پیگیری‌ها و روزهایی که برای تهیه گزارش راهی پشت‌صحنه آثار می‌شویم؛ اتفاقات جالب کم برایمان نیفتاده است که خودشان یک پا سوژه هستند. در این بخش قرار است هر بار یکی از این روایت‌ها را برایتان تعریف کنیم:

اواسط دهه ۹۰ در یکی از روزهای به شدت گرم تابستان برای گزارش پشت صحنه یک سریال پلیسی هماهنگی‌های لازم را انجام دادم و با سرویس یکی از روزنامه‌ها، راهی لوکیشن سریال، قبرستان اتومبیل‌های خارج از شهر شدم. ماجرا از همین جا شروع شد که راننده که مرد میانسالی بود با دیدن آدرس مدام من را در طول مسیر نصیحت می‌کرد که: «دختر جون مگه پول چه ارزشی داره که سر از چنین جاهایی درمیاری؟ پدر و مادرت بنده‌های خدا چه گناهی کردن که باید نگرانت بشن؟ آخه اینجور جاها که جای دخترای جوون نیست و...» به مقصد که رسیدیم و آقای راننده چشمش به لوکیشن و عوامل سریال که اغلب آقایان جوان بودند افتاد، نصیحت‌های پدرانه‌اش بیشتر شد. اما من برایش توضیح دادم که به هر حال این ماجراها هم بخشی از شغل ماست و گاهی ناچاریم برای تهیه گزارش به چنین لوکیشن‌هایی سر بزنیم. آقای راننده که با شنیدن دلایل من قانع نشده بود، بعد از کلی سفارش و این‌که مراقب خودم باشم و اگر کاری یا مساله‌ای پیش آمد با شماره او تماس بگیرم و ایشان را مانند پدر خودم بدانم، از من جدا شد و آنجا را ترک کرد. اما این همه ماجرا نبود. هوا رو به تاریکی بود که بعد از انجام گزارش و مصاحبه‌ها، از مدیر تدارکات پروژه درخواست سرویس برای رفتن به منزل کردم. اما با تاریک شدن هوا تصویربرداری تمام شده و سرویس‌ها در اختیار بازیگران و عوامل پروژه بودند و از آنجا که اغلب پروژه‌ها همیشه با محدودیت سرویس مواجه می‌شوند و به خاطر این‌که من هم با هیچ کدام از عوامل هم‌مسیر نبودم، فقط تا مسیر مشخصی می‌توانستم با یکی از عوامل که دستیار کارگردان بود، همراه شوم. از قضا آن راننده سرویس هم تا چشمش به من افتاد و فهمید خبرنگارم، حس پدرانه‌اش غلیان و او هم شروع به نصیحت من کرد. من را تا ترمینال تاکسی‌ها رساند و بعد با کمی صبر، راننده و مسافران را با نگاهش بررسی کرد. خیالش که کمی راحت شد، از من خواست روی صندلی جلو بنشینم و به محض این‌که به مقصد رسیدم به مدیر تدارکات اطلاع بدهم. در عین خستگی در طول مسیر به این موضوع فکر می‌کردم که چقدر خوب است نسبت به یکدیگر بی‌تفاوت نباشیم.

های سیما

ن

تا حسنعلی منصور را ترور کنند. ترور با موفقیت انجام می‌شود بسیار همه عاملان ترور به‌جز سیدعلی اندرزگو را دستگیر و ساواک به دنبال اندرزگو هستند چراکه او را از طراحان اصلی ترور مبدل به مبارزه ادامه می‌دهد و چند بار تا مرز دستگیری می‌رسد ار مجبور می‌شود همراه خانواده به شهر یا روستایی دیگر برود.

ی، جعفر دهقان، رضا چراغی، عطاءا... سلمانیان و حبیب‌ا...

ه کارگردانی یوسف سیدمهدوی، سه‌شنبه ۱۲ بهمن ساعت ۱۴ یما می‌رود.

داستان: ۵۳ نفر از مأموران ساواک در چند کشور میان ایرانیان عضو انجمن‌های اسلامی نفوذ کرده‌اند. احمد که عضو یک گروه اسلامی است، تعدادی عکس، ۲۰۰ هزارتومان و ۵۲ قطعه نگاتیو عکس‌های شناسایی شده ۵۲ نفر را در یک ساک مخفی کرده و قصد خروج از تهران را دارد که در محاصره ساواک قرار می‌گیرد. ناچار ساک خود را با ساک یکی از مسافران عوض می‌کند و از خطر می‌گریزد. احمد همراه دوستش در یک خانه به‌طور موقت مخفیانه زندگی می‌کند. حسین که همسرش نیز بیمار است برای مداوا و معالجه‌اش در خارج از کشور نیاز به پول دارد. پس از چند روز همسرش پی به محتویات ساک می‌برد و به او می‌گوید پول‌ها را برای معالجه‌اش فراهم کرده‌است. مأموران ساواک ناموفق از دستگیری احمد برای ردیابی او شرح گم‌شدن ساک را در روزنامه آگهی می‌کنند و...

بازیگران: فریبرز سمندرپور، عنایت بخشی، بهرام شاه‌محمدلو و منصور والامقام.

آخرین پرواز از ایران

فیلم «کیمیا و خاک» به کارگردانی عباس رافعی، چهارشنبه ۱۳ بهمن ساعت ۱۴ و ۲۰ دقیقه از شبکه دوی سیما پخش می‌شود.

داستان: قصه فیلم درباره پنج نفر است که در فضای ملتهب آبان ۵۷ درصددند به آخرین پروازی که از ایران به سمت پاریس خارج می‌شود، برسند. رضا مرد انقلابی که به همین جرم سه سال را در زندان به عنوان زندانی سیاسی گذرانده، اکنون آزاد شده‌است. همسرش در شرکت مخابرات کار می‌کند و در جامعه و محل کار مورد بی‌مهری اطرافیان قرار گرفته‌است. حالا با تغییر جو و انقلاب، اطرافیان نیز تغییر رفتار می‌دهند و او را مورد توجه قرار می‌دهند. پسرش نادر هم که به جمع انقلابیون پیوسته‌است، نظرش در مورد پدر منفی است و حتی حاضر نمی‌شود به استقبال او برود. همه فکر می‌کنند عامل لو رفتن دوستش مرتضی، خود رضا بوده‌است. مرد میانسالی هم می‌خواهد قسم‌نامه‌ای را از طریق این پرواز به پاریس و امام برساند. در این میان ماموران ساواک چند بار برنامه او را تغییر می‌دهند. یک روحانی هم می‌خواهد اسنادی را با این پرواز به دست امام برساند. زن و شوهر جوانی هم پس از نفوذ به نقشه‌های نیروی هوایی و اقدام برای کودتا، از طریق این پرواز قصد خروج از کشور را دارند و...

بازیگران: امیر آقایی، حسین یاری، آزیتا حاجیان، پریوش نظریه و سیاوش طهمورث.